



## درام آفریقایی سیاه، درامی متعهد!

فتحی العشری

نویسنده و منتقد مصری

ترجمه قاسم غریفی

منبع: کتاب *تئاتر و ضد تئاتر* نوشته

فتحی العشری. سال ۱۹۹۹. قاهره.

رقص‌ها نیز چون  
ماسک‌ها دارای ایقاعات متعددی  
هستند بر حرکت بدن، دارای اشکال متنوعی  
هستند. انفعالاتی صورت می‌گیرد که بازگوکننده فرهنگ  
اجتماعی برای جمعیت است، چه در مبارزه و نبرد یا اعیاد و جشن‌های  
قومی یا مناسبت‌هایی که برای راندن ارواح شرور به کار گرفته می‌شود  
و به مناجات گذشتگان می‌پردازد.  
به همین دلیل رقص آفریقایی یک رقص به معنای معمولی نیست که  
موجب سرگرمی توریست‌ها شود بلکه در حقیقت نوعی درام تصویری  
است، که موسیقی پس‌زمینه آن است، به همین دلیل موسیقی آفریقایی  
در ترکیب ایقایی خود به عنوان نمایشنامه‌ای است که به طرف درام  
کشیده می‌شود، به عکس موسیقی اروپایی که در ترکیب سنفونی خود  
برای گوش دادن و شنیداری است.

و به همین دلیل «درام - رقص» در اسلوب‌های متنوع خود، تصویرگر  
اهداف فردی نیست بلکه تعبیری از روح اجتماعی جامعه است، درام -  
رقص در اسلوب‌های متنوع خود، تصویرگر اهداف فردی نیست بلکه  
تعبیری از روح اجتماعی جامعه است، درام - رقص نمایشگر ستیز

درام آفریقایی به خلاف درام اروپا بر جمعیت استوار است نه فرد. پایه  
آن بر رمز استوار است نه دیالوگ. اگر بخواهیم به دنبال رشد و تکامل  
شخصیت‌ها، یا به دنبال آغاز، میانه و پایان باشیم، کاری عبث است. رمز  
اساس دراماتیک تئاتر آفریقا است و شکل آن از طایفه‌ای با طایفه دیگر  
متفاوت است. از ماسک برای ابراز معنای دراماتیک استفاده می‌کند. هر  
ماسک مفهوم خاص خود را دارد. ماسک به تناسب قومی، اعیاد، مبارزات یا  
آبادگی جنگ با هم متفاوتند، دیگر اینکه این ماسک‌ها فریاد جمعیت است  
نه فرد، بازتاب جماعت خویش و رمزی است که بیانگر ارزش‌های اجتماعی  
مشخص و نقش ارزشی مجرد است. از درون این ماسک‌ها انسان می‌تواند با  
گذشتگان خویش سخن بگوید تا دین و دنیای خود را برگزیند.

دست‌جمعی با ارواح خبیث در حالت‌های مرگ و جنگ است، یا حالت شادمانی و لذت از ارواح خیر در حالاتی از نشئه و پیروزی است.

به سخن دیگر درام آفریقایی با اسلوب‌های متفاوت و متنوع خود، از ماسک‌ها و رقص‌ها و موسیقی، نشان‌دهنده خواسته‌های اجتماعی است، به خلاف درام‌های فردگرا که در نمایشنامه‌های سوفوکل، شکسپیر یا مولیر است. از آنجا که رمز دارای طبیعت تعبیری درام آفریقایی است، دارای تنوعی شگفت در واژه رمز است که بیانگر این تعبیر است. با کاری ترا ووری در کتاب خود تئاتر آفریقایی سیاه آورده است: «تئاتر یکی از مظاهر همبستگی و میل به جامعه است». به این معنی که مخاطب قرار دادن آن مغایر با نوع اروپایی است، در این تئاتر تماشاچی خود را در آن می‌بیند، پس در آن مشارکت نیز می‌کند. دیگر اینکه این تماشاچی یکی است و لاغیر.

برای نقد و بررسی این تئاتر، باید به نمایشنامه‌های آفریقایی، یا مفهوم دراماتیک آن نزد نمایشنامه‌نویسان آفریقایی مراجعه کنیم، و دیگر اینکه بر ماست تا آنجا که می‌توانیم به اجراهای آن چه از نظر تقلیدی یا جدید نظری بیندازیم، از سویی دیگر هدف ما از چنین نمایش‌هایی تحقیق در ارزش اجتماعی است. تأثیر آن در مردم به حدی است که آن‌ها خود را «شریک» آن می‌دانند نه فقط یک «تماشاچی» صرف. به این معنی که «درام مشارکت» است نه «درام تماشا». درام آفریقایی «تلاقی» است و نه «تلقی»، و این یکی از ممتازترین تئاتر آفریقایی است، این تئاتر بازتاب نیاز نزدیکی و پیوند طبقات اجتماعی است، تا آنجا که تئاتر آفریقایی نشان‌دهنده تصویر علمی پویا برای جذب جامعه در راستای اثبات وجود خویش است، یا اینکه عمل باید چنان ژرف و سترگ باشد تا این وجود را نشان دهد.

لئوپولد سنگور، شاعر بزرگ آفریقا، در این باره چنین می‌گوید: «تا که نامش را در پایداری آفریقایی سیاه از برای آزادی و استقلال ثبت کند. تا امانتی نزد ملت باقی بماند، این تئاتر بیانگر مشغله‌ها و تلاش‌هاست، و تحقق بخش آرمان‌ها و آرزوها و رویای مردم آفریقا است.»

وقتی که به درام کلاسیک آفریقا، و درام قرون وسطا، نگاه می‌کنیم. و سپس به درام‌نویسان نام‌دار عصر الیزابت چون شکسپیر، مولیر، لوب دوگا نظری می‌افکنیم، آنچه که تئاتر آفریقا را متمایز می‌کند همان روح جمعی است و آنچه که ما را وامی‌دارد که بین «نقش‌های اجتماعی» و نقش‌هایی که بر صحنه تئاتر اجرا می‌شود فرق قائل شویم.

ما این نکته را در تریلوژی شاعر آفریقایی، ایمیه سیزبر، به شکلی کاملاً واضح و آشکار می‌بینیم، نمایشنامه‌های طوفان، ستاره کریستف و فضلی در کنگو. آنچه که این سه نمایشنامه به ما می‌دهد این است که «آفریقایی» یک میراث است و نه تمدن، و تلاش سیاهان آفریقا این است که میراث‌دار باشند، و آن گاه آن را به «تمدن» متحول سازند. انسان به گفته او «کسی که نمی‌تواند رنگ پوستش را تغییر دهد. حداقل کاری که می‌تواند بکند به آن درخشش و زندگی بدهد.»

برای پاسخ‌گویی به این تجاوز تمدن، نمایشنامه‌های او به فریادها و

شلیک تبدیل شد، با صدای بلند فریاد می‌کند «همه برای همه» و با جنبش بدن «کل برای کل»، در این نمایشنامه واژگانی از قبیل: صلابت، پایداری، مقاومت، مبارزه، انتقام به گوش می‌رسد و هدف تعبیری اجتماعی آن پرخاش و دوری جستن آن از ستم و استعمار و حرکت به سوی تمدن است.

هر چند این روح جدید سیزبر از سویی «تفکر سیاهان» و لئوپولد سنگور از سویی دیگر است، با این حال مشترکاتی بین این دو وجود دارد، همان چیزی که ژان پل سارتر را وادار کرد که در مقدمه ارفه سیاه چنین بنویسد: «اگر قرار باشد شرایط تاریخی در هر عصری ملت یا نژاد، یا طبقه‌ای این مشعل جدید را حمل کند، بدون شک بر «ملت‌های سیاه» مقدر شده است تا فریاد بلند خود را سر دهد، فریادی که پایه‌های جهان را به لرزه درمی‌آورد.»

مطالعه‌ای هر چند گذرا بر بعضی نمایشنامه یا درام آفریقایی، این نشانه‌ها و ویژگی‌ها را نشان می‌دهد. محور نمایشنامه افضله خشونت نوشته لویی نکوسی، جنگ ارزش‌ها در آفریقای جنوبی است. موضع آفریقای امروز در رویارویی فرهنگ گذشتگان و تمدن امروز است. تقارن بسیار زیادی بین این نمایشنامه و نمایشنامه مشهور جان آردن یعنی رقص گروهیان ماسگریف از نظر خشونت فکری، خشم در مضمون، و خشونت دیالوگ وجود دارد.

در نمایشنامه آوای بز نوشته پی. بر کلاک نیجریه‌ای بر پایه فولکلور ملی نیجریه استوار است، و از ارزش‌های اصیل آفریقایی دفاع می‌کند و به تکامل میراث انسانی می‌انجامد.

اما نمایشنامه‌های غنایی فاسوزرلان که مهم‌ترین آن‌ها اوراسایی و پاروونی و اژدواج انافسویا حول شکل اصالت بخشیدن درام آفریقایی و تکامل آن و رشد مفاهیم ذوقی و زیباشناختی مدرن می‌چرخد، ولی از نظر مضمون گرد عادات و تقالید اجتماعی در جامعه غنایی از دیدگاه آموزشی می‌گردد که از مفاهیم آزادی، و روح آزادی‌خواهی به دور نیست.

از دیگر نمایشنامه‌نویسان مطرح غنایی هنری اوفوری نویسنده نمایشنامه همایش ادبی است که محور آن ستیز انسان روشنفکر با هر گونه نیروهای تخلف و ارتجاعی و تلاشی موفق بین تقلید و تجدید بین هنر و زندگی است.

درام‌نویسان دیگری مانند گابریل اوکارا و جیمس منشو اهل نیجریه و شاعر درام‌نویس جنوب آفریقا ماز لیس کوئینی و گابریل کوزان، که همه آن‌ها به بررسی مسئله آزادی در تئاتر آفریقا می‌پردازند، تا آنجا که به طور کلی به این نتیجه می‌رسند که درام آفریقایی یک هنر آزادی‌خواه است، هدفش بازگشت شخصیت اصیل آفریقایی، بی آنکه از قافله تمدن امروز دور باشد.

این معادله پیچیده نه تنها شامل درام‌نویسان آفریقایی می‌شود، بلکه شامل همه نمایشنامه‌نویسان جهان سوم می‌شود، تا از عزلت و استثمار بیرون آید و با فریاد خویش پایه‌های جهان را بلرزاند.